

گفت‌وگو با کوروش علیانی نخستین ویراستار کتاب‌های شهید آوینی درباره هنر انقلاب

هنوز به طراحی سازمان جنگ در فرهنگ نرسیده‌ایم



۱۲

ورزش

برانکو قبل از دیدار با ماشین‌سازی:

سرنوشت بازی را بازیکنان و هواداران مشخص می‌کنند

ورزش

برای اولین بار تمام فینالیست‌های قاره‌سباز یک کشور هستند

جزیره در تعقیب یک قاره!

این اولین بار است که یک کشور تمام سهمیه‌های فینال در دو تورنمنت اصلی فوتبال اروپا را به خود اختصاص می‌دهد. آرنستال پنجشنبه شب موفق شد با کسب پیروزی ۴-۲ در زمین والنسیا با کمک هت تریک پیر امریک لوبامیانگ در مجموع دو دیدار رفت و برگشت نماینده اسپانیا را با نتیجه ۳-۲ شکست دهد و به فینال لیگ اروپا راه یابد. همزمان با آن‌ها در لندن و در استامبول بریج، چلسی مانند بازی رفت در فرانکفورت مقابل اینتراخت به تساوی ۱-۱ رسید تا...



فرهنگ و هنر

مدیر گروه معارف شبکه سه سیما:

برنامه‌ساز مسلط به فضای دینی نداریم

کار قهرمانی در آزادی یکسره می‌شود؟

فینال فینال های لیگ

در مشهد

شماره ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۸
۵۰ صفحه
۱۴۴۰ تومان
سال سی و دوم
شماره ۱۹۹۲
ZENDIGH@QUDSONLINE.IR

فوری فوتی

قابل توجه مصرف‌کنندگان محترم!
فوری /... به خبری فوری که هم اکنون به دستمان رسید توجه فرمایید: گزارش‌های رسیده از نقاط مختلف جهان حاکی است روزنامه های کاغذی در حال انقراض هستند. آسوشیتدپرس گزارشی می‌دهد، روزنامه «یواس ای تودی» که تا هفته پیش با بیشترین ۲ میلیون و ۲۵۰ هزار نسخه، پرفروش‌ترین روزنامه آمریکایی به حساب می‌آمد، روز گذشته شمارگان خود را به ۲۰۰۰ نسخه در روز کاهش داده و اعلام کرده است شهروندان برای مصارفی چون پاک کردن شیشه‌ها در خانه تکانی زانویه ۲۰۲۰ از دستمال پارچه‌ای استفاده کنند. روزنامه انگلیسی «گاردین» هم که با ۱۵۰ هزار نسخه در روز، معروف‌ترین روزنامه اروپایی به حساب می‌آید، روز گذشته اعلام کرد شمارگان خود را تا اطلاع ثانوی به ۸۵۰ نسخه در روز کاهش داده و خشکسویی‌های لندن نیز دیگر حق ندارند پیش از خواندن همه صفحات یک روزنامه، لباس‌های مشتریان را برای تحویل لای آن بپيچند!

خیلی فوری! / به خبری خیلی فوری که هم اکنون به دستمان رسید توجه فرمایید: معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد اعلام کرد: با توجه به تنوع روش‌های استفاده مشتریان از روزنامه‌ها، از این پس همه نشریات کشور موظفند به جای تیراژ، نتایج نظرسنجی از مردم حوزه توزیعشان را در صفحه آخر هر شماره درج کنند. لازم به توضیح است که نحوه درج نظرسنجی به این صورت خواهد بود: از هر ۱۰ شهروند، ۹ نفر و نصفی ما را مصرف می‌کنند - از هر ۱۰ شهروند، ۷ نفر ما را مصرف می‌کنند - از هر ۱۰ شهروند، ۴ نفر و نصفی ما را مصرف می‌کنند... باز هم لازم به توضیح است که روزنامه‌ها موظفند بالای همه صفحات، عبارت: «استعمال مطالب این صفحه به عنوان سفره غذا و لاف دور ساندویچ چاشنت کودکان، برای سلامتی زیان‌آور است» را درج کنند!

خیلی فوری تر! / به خبری خیلی فوری‌تر که هم‌اکنون به دستمان رسید توجه فرمایید... به دلیل کمبود و گرانی کاغذ، بنا به تشخیص مدیرمسئول محترم و صلاح‌دید وزارت بهداشت، نوشتن و خواندن مطالبی از قبیل هرگونه نظرسنجی و همچنین ستون «فوری فوتی» برای سلامتی جسم و روح زیان‌آور تشخیص داده شده و این ستون هم دیگر چاپ نخواهد شد!



«عراقچی» می‌گوید در صورت لزوم افغانستانی‌ها باید ایران را ترک کنند

به شوشتر نزن گردن مسگری!

محمد تربست زاده: ماجرا از جایی آغاز می‌شود که «سید عباس عراقچی» معاون سیاسی وزیر امور خارجه کشورمان روی آنتن زنده شبکه دو می‌گوید: «اگر تحریم‌ها اثر کند و فروش نفتمان به صفر برسد، جمهوری اسلامی ایران مجبور است سیاست ویژه‌ای را برای اقتصاد خود در نظر بگیرد و ممکن است نتوانیم به این شکل ادامه دهیم و از برادران و خواهران افغانستانی‌مان بخواهیم ایران را ترک کنند!»

هدف عراقچی اگرچه گروکشی از غربی‌ها در ماجرای لغو معافیت‌های نفتی است، اما طولی نمی‌کشد که هشتگ #عراقچی_غلط کرد در توئیتر فارسی ترند می‌شود. ریشه این هشتگ را هم احتمالاً باید در همبستگی ما با مردم افغانستان در طول تاریخ و زبان، دین و فرهنگ مشترکمان جست‌وجو کرد.

پرچم‌های سیاه را پایین کشیدند
کاربران فضای مجازی می‌گویند، افغانستانی‌های ساکن در ایران «مهاجر» نیستند، یعنی از زمانی که لباس رزم پوشیدند و برای دفاع از خاک ایران، پایه‌های رزمنده‌های خودمان، هشت سال در جبهه‌ها جنگیدند، شدند صاحبخانه!

اصلاً چرا از دور برویم؟ همین چند سال پیش وقتی که دوشادوش منافقان حرم در قالب لشکر فاطمیون در سوریه جنگیدند تا پرچم‌های سیاه را پایین بکشند و امنیت مرزهایمان، چند صد کیلومتر آن طرف‌تر تضمین شود، شدند هموطن ما و کدام ناجوانمردی هموطنش را از خانه بیرون می‌کند؟

یکی از کاربران نوشته است: «افغانستانی‌ها در طول تاریخ ثابت کردند که زیر بار حرف زور نمی‌روند و همیشه با اشغالگران جنگیده‌اند. این ملت قابل احترام نیست؟ روزگاری به پورپای ولی‌ها افتخار می‌کردیم اما ظاهراً روحیه پهلوانی از ما رخت بسته است.»

برش

کارشناس‌ها می‌گویند، آقای عراقچی با طرح این موضوع قصد گروکشی از غربی‌ها را داشته است. دقیقاً همان کاری که سالین سال است اردوغان با اتحادیه اروپا می‌کند. یعنی

روزمره نگاری

نصف کله گنجشکی

رقیه توسلی: چشمم چیزی را که نباید، می‌بیند. می‌خواهم بروم از آشپزخانه بیرون که می‌دود به دامنه آویزان می‌شود. موهایی بلندش را از پشت می‌کشم که گل ترمه جان بی خیال... من چیزی ندیدم.

• اگه به مامان بگی غمخاش میشه...
— چسرا باید از رابطه تو با خدا پیش مادرت چُغلی کنم؟ اساساً چرا باید چغلی کنم؟ فقط عزیزم هیچ وقت نه به خودت، نه به هیچ کس دیگه‌ای دروغ نگو. صورت شرمندهنش را می‌گیرد بالا و می‌گوید: ای بابا! چیکار کردم من شکمو... فک کنم اصلاً دختر خوبی نیستم... خیلی ناراحتم. نگاهش می‌کنم.

ادامه می‌دهد: آبروم پیش خدا رفت، چه جوری ضعیف و تشنگی‌اش کم نیابورید.

گل ترمه می‌رود دهانش را می‌شوید و می‌پرسد: از همین الان می‌شود کله گنجشکی‌ام حساب شود؟ دوران را که‌امایش گذارنده‌اند، از شیطونک که من بعد باید چهارچشمی بیابندش.

نواموزی و همت هفت سالگی‌اش را تشویق می‌کنم و یادم نمی‌رود چند موردی هم از ناقلایی خودمان بگویم. از جمیع وسوسه که نامش بامیه و زولبیا بود نامی‌خام شیطونک گولم بزنه!

مجاز آباد

دیپلماسی شله‌زردا



روز گذشته «راب مک ایر» سفیر انگلستان در کشورمان، با انتشار پست توئیتری از بزرگاری ضیافت افطاری سفارت انگلیس در تهران خبر داد که این موضوع انتقاد گسترده کاربران فضای مجازی را به دنبال داشت. یکی از کاربران در این باره در توئیتر نوشته است: «دیگ پلو انگلیس در مشروطه به شله‌زرد و حلوا در رویکرد دیپلماسی عمومی و براندازی نرم تغییر یافته است، دستگاه دیپلماسی حواسش هست؟»

خاطراتی که خاکستر شد



آتش‌سوزی در بازار تاریخی تبریز حدود ساعت ۲۳ چهارشنبه آغاز شد و با تلاش آتش‌نشانان حدود ساعت ۲ بامداد، این حریق مهار و از سرایت آن به دیگر سراها جلوگیری شد. کاربران فضای مجازی پس از وقوع این حادثه هشتگ #بازار_تبریز را در فضای مجازی داغ کردند. یکی از کاربران در این باره نوشته است: «اینانی که واسه کلیسای نوتردام هشتگ زدن، یک هشتگ هم برای بزرگ‌ترین بازار سرپوشیده جهان بزنین که یکی از سراهانش توی آتش سوخت.» کاربر دیگری هم نوشته است: «آنچه بخشی از آن در آتش سوخت، صرفاً چند ساختمان و مغازه و حجره نبود، یکی از اصلی‌ترین بخش‌های هویت و خاطرات مردم تبریز بود که خاکستر شد.»

توی کودوم راهید؟!



امیرمهدی زوله در واکنش به پخش ترانه «جنتلن» در برخی از مدارس کشورمان، در اینستاگرامش نوشته بود: «اگه مدرسه مورد قبولتان، پل‌دگان‌هایی است که ما در آن‌ها درس خواندیم و نمره چهار زدیم و لباس‌های خاکستری یکدست پوشیدیم، پس بگذارید نظر من به ساسی مانکن نزدیک‌تر باشد و به مدرسه‌هایی که برای بچه‌ها جشن می‌گیرند». حالا پست اینستاگرامی زوله با واکنش تند کاربران فضای مجازی همراه شد. یکی از کاربران در قسمت نظرات این پست نوشته است: «شما که معتقدی پخش این ترانه مشکلی نداشته پس این موزیک روبروی دخترت روزانه پخش کن و کلمه به کلمه اصطلاحات جنسی به کار رفته در اون روبراش معنی کن. این لابد سبک تربیت شماست نمی‌دونم خودتون رو می‌زنیید به اون راه یا واقعاً توی همون راهید؟»

به خاطر معاش



پولاد کیمیایی با انتشار تصویری از حضور نسا آمریکایی در خلیج فارس در اینستاگرامش نوشت: «کیش و مات»! پست اینستاگرامی پولاد کیمیایی حساسی در فضای مجازی حاشیه‌ساز شد. یکی از کاربران در این باره نوشت: «یک روز مهتاز افشار سبب قتل می‌شود و امروز پولاد کیمیایی موجب ترس در بین مردم خوب می‌داند این بازی روانی دشمن است، حالا این وسط یک سلبریتی هم حرفی از جنگ می‌زند، قطعاً به خاطر معاشش است!»

ربنا و رطب

روسیاهیم از غیبت‌تان مهدی جان!

حسین احمدی: السلام علیک یا سیده نساء العالمین... سال‌هاست با یاد نورانی شما، مادر، افطار تیار می‌کنم. با کشان می‌رود آشپزخانه یا تالوت «کوثر»... یا «قدر» و «تاس» و «حصر» و «معاون»... السلام علیک یا ولی الله، اَنْتَ اَوْلَی مَظْلُوم... شکر که رمضان‌ها - مصحف شریف قرآن و نهج البلاغه - تمام هوش و حال خلعاند.

السلام علیک یا سیدالشهدا... جای و رطبی نبوده که این روزها ما را به دشت مَغِیْلان نبرد، ارباب! السلام علیک یا غریب الغُریبا... اصلاً زیر سقف صیام، چند جرعه هوای توس واجب است. والسلام علیک یا بقیه الله فی أرضه... روسیاهیم از غیبت‌تان مهدی جان!

کلیدها

اروز نوشته‌های علی محمد مؤبد

آنچه را بلیدید، یاد بگیرید!

هر کاری برای خودش اصولی دارد. مشکل بزرگ ما این است که خیلی اعتماد به نفس داریم! یادگیری جزء برنامه کاری روزمره ما نیست و اگر بگویند قرار است شما متولی برگزاری یک جلسه باشید، به خودمان می‌گوییم خب ما که جلسه زیاد شرکت کرده‌ایم، جلسه کاری ندارم، بزرگوار می‌کنیم. تا اینجای کار خوب است و ایرادی هم ندارد. اعتماد به نفس زیاد در شروع کردن خوب است، اما باید آدم هر کاری را به طور رسمی یاد بگیرد، هم‌چون جلسه برگزار کردن که هر بچه‌ای فکر می‌کند بلد است برای خودش رسم و رسومی دارد و در دنیا تجربه‌های ثبت شده درباره جلسه‌داری وجود دارد. بستگی به هدف جلسه می‌شود نوع اداره، محل اجرا و زمان جلسه را طراحی کرد. اینکه چطور به هر کسی نوبت حرف زدن بدهیم خودش یک مسئله است و اینکه اگر کسی برحرفی کرد و خوب هم حرف زد ما به عنوان مدیر جلسه چکار باید بکنیم، در دنیا تجربه شده و درباره آن نوشته‌اند و گفته‌اند و بحث کرده‌اند. عدم احساس نیاز به یادگیری یکی از دردهای کلیدی است. در همین فضا هستند که هر کسی جرئت می‌کند خود را برای هر کاری نامزد کند و نتیجه همین وضعیت است که خیلی از اتفاق‌های ساده را نمی‌توانیم مدیریت کنیم. در آزمون شفاهی پذیرش دانشگاه، مصاحبه‌کننده پرسشی درباره نظر من درباره نحوه چینی‌اش آجرهای اتاق مصاحبه کرد که تا امروز برای من در زندگی الهام‌بخش بوده است. پس از آن پرسش، هر بار به هر پدیده به‌ظاهر بی‌اهمیت و جدیدی می‌رسم، تلاش می‌کنم فلسفه آن را یاد بگیرم و درباره آن بپرسم. جواب من به مصاحبه‌کننده هم همین بود که درباره این نوع چینی‌اش آجرها تحقیق خواهم کرد. آن آجرها را به نحو خاصی چیده بودند تا به اکوستیک شدن سالن کمک کند. همه جزئیات عالم دلیلی دارند. دلیلی که با یاد مراعات شود یا باید آن دلیل را نابود کرد؛ اما به هر حال فهمیدن خوب است. یکی از کارهای همیشه‌گی من با بچه‌هایم همین است که درباره دلایل چیزها صحبت کنیم! کاش پدر و مادران صاحب‌منصبان کشور هم فرزندان‌شان را این طور تربیت کرده بودند که به دلیل هر پدیده ساده‌ای بیشتر ببیندند. آن وقتی که کسی کار سنجیده اتفاق نمی‌افتاد.

متولی هر کاری می‌شود، بروید و درباره آن کار مطلبی درست و درمان پیدا کنید و بخوانید. مطمئن باشید که شگفت‌زده می‌شوید. ساده‌ترین کارهای دنیا هم دهها صفحه تجربه ثبت شده دارند. یک روز در جلسه آموزش ابدارچی همکارمان دقایقی نشستیم و از جزئیات ثبت شده و تبدیل به دانش شده در بحث پذیرایی مهیوت شدیم. هر کاری را حتی اگر بهتر از همه بلدید، بروید و دوباره یاد بگیرید.



ساسی مانکن از لس آنجلس تا مدارس ایران

چند روزی است در فضای مجازی کلیپ‌هایی از رقص دانش‌آموزان دبستانی و دبیرستانی با آهنگ ساسی مانکن، خواننده لس آنجلسی دست به دست می‌شود. در این کلیپ‌ها آهنگ «جنتلمن» که حاوی کلمات و مضامین جنسی است، در مدارس توسط معلمان پخش می‌شود و دانش‌آموزان همراه با رقص و شادی، آن‌ها را همخوانی می‌کنند. نکته جالب توجه این است که این صحنه‌ها توسط معلمان فیلمبرداری می‌شود و احتمالاً توسط آن‌ها یا توسط دانش‌آموزان در فضای مجازی منتشر می‌شود! در اینجا با دو مسئله روبه‌رو هستیم؛ مسئله نخست پخش چنین آهنگی در مدارس و مسئله دوم پخش کلیپ‌های رقص دانش‌آموزان در فضای مجازی است.

چطور ساسی به مدارس آمد؟

ساسان حیدری معروف به ساسی مانکن، خواننده‌ای است که در شبکه اجتماعی اینستاگرام ۲ میلیون و ۱۰۰ نفر دنبال‌کننده دارد. وی از چندین روز پیش از انتشار آهنگ «جنتلمن»، ویدئو کلیپ‌های آن را در صفحه اینستاگرامش منتشر می‌کند. در این کلیپ‌ها دختران مدرسه‌ای با لباس فرم (ماتو و مقنعه‌های سورمه‌ای) حضور دارند و آهنگ را همراه با رقص می‌خوانند. سبک و سیاق پوشش دختران داخل کلیپ کاملاً یادآور دختران نوجوان ایرانی است. از این جهت می‌توان گفت که ساسی و تیم رسانه‌ای‌اش از ابتدا مخاطب هدف این آهنگ را دختران دانش‌آموز انتخاب کرده‌اند. به کمک شبکه‌های اجتماعی، این آهنگ بسیار زود به دست مخاطبان تعریف شده که نوجوانان هستند. می‌رسد. نوجوانان نیز با دختران داخل کلیپ همراهی کرده و این آهنگ را همخوانی می‌کنند.

چرا ساسی به مدارس آمد؟

پرسش دیگری که مطرح می‌شود این است که چرا این آهنگ در میان دانش‌آموزان محبوب شده است؟ چرا آهنگی که به‌طور علنی حاوی کلمات و مضامین جنسی است، توسط دانش‌آموزان حفظ و خوانده می‌شود؟ در درجه اول جالبیت‌های ریتمیک آهنگ دلیل اصلی مورد توجه قرار گرفتن آن می‌تواند باشد. ریتم شاد این آهنگ و استفاده از کلمات و اصطلاحات ملموس و روزمره، توجه مخاطب همچنان‌خواه نوجوان را به خود جلب می‌کند؛ مخاطبی که بیش از مضمون به ریتم توجه دارد.

همچنین ذکر این نکته حائز اهمیت است که موسیقی و انتخاب نوع موسیقی مورد علاقه، یکی از مؤلفه‌های هویت‌یابی در بین افراد و به‌طور خاص در بین نوجوانان محسوب می‌شود. نوجوانان با انتخاب نوع خاصی از موسیقی هویت خود را تعریف می‌کنند. این هویت معمولاً در کنار گروه‌های همسالان می‌شود و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. در حقیقت نوجوانان با نوع موسیقی که مصرف می‌کنند، نوع حرف زدن، لباس پوشیدن و غیره تلاش می‌کنند از بزرگسالان فاصله گرفته و خود را به همسالان و دوستان خود نزدیک کنند. از این جهت عجیب نیست که این آهنگ در میان نوجوانان و دانش‌آموزان به‌صورت دومینووری دست به دست و محبوب می‌شود. نوجوانان دهه هشتادی خود را مخاطب مستقیم این آهنگ می‌دانند و آن را به عنوان مؤلفه‌ای که آن‌ها را به هم نزدیک و تحت یک هویت مشترک جمع می‌کند، پدیدرفته‌اند.

اما آنچه در این میان از همه عجیب‌تر است، پخش این آهنگ در مدارس است. پخش علنی چنین آهنگی در مدرسه مهر تأییدی است بر هویت جمعی ارائه شده در کلیپ هویتی که از مخاطبان خود می‌خواهد که نشان دهنده ارزش و هویت نوجوانان باشد. چرا آهنگی که به‌طور علنی حاوی کلمات و مضامین جنسی است، در مدارس با دانش‌آموزان همسالان و دوستان خود نزدیک می‌شود؟ این سؤال را می‌توانیم با توجه به شرایط سختگیرانه مدارس دهه ۶۰ قرار داشتند، نوعی واکنش افراطی در رابطه با آزادی و شادی دانش‌آموزان محسوب می‌شود. فضای شاد مدارس از ضروریات نظام آموزش و پرورش است و باید دقت داشت که در قالب‌های مناسب این شادی به دانش‌آموزان داده شود.

چرا کلیپ‌های همخوانی دانش‌آموزان با ساسی پخش شد؟

مسئله دیگری که در این ماجرا مورد توجه است، پخش کلیپ‌های رقص دانش‌آموزان در مدارس است. در ابتدا ساسی در صفحه شخصی‌اش تمام آن‌ها را به‌طور کامل منتشر کرده است. سپس این کلیپ‌ها سرعت و شبکه‌وار در فضای مجازی پخش شده و بسرعت به ترندهای شبکه‌های اجتماعی بدل گشتند. بعضی افراد این کلیپ‌ها و این آهنگ را دستمایه طنز و تولید ویدئوهای خنده‌دار قرار دادند که خود موجب عادی‌سازی و عمومیم دادن به ابتدال می‌شود. بعضی دیگر نیز با پخش این کلیپ‌ها به انتقاد از نظام آموزش‌وپرورش و بساختارهای کلان جامعه پرداختند. اما آنچه بیش از همه، با انتشار این کلیپ‌ها در جامعه تزریق شد نوعی حس بی‌اعتمادی به آموزش‌وپرورش و ناکارآمدی بزرگ‌ترین نهاد فرهنگی کشور است. به‌نظر می‌رسد تعمیم دادن ۵-۶ کلیپ به کل نظام آموزشی و فرهنگی کشور، نگاه غیرمصفقانه‌ای است که تنها به ایجاد فضای یأس، بی‌اعتمادی و ناامیدی در جامعه دامن می‌زند.

خبر

«فرهنگ، زندگی و رمضان» در افغانستان

مهر: آیین گشایش نمایشگاه عکس محمدموسی اکبری و فاطمه اکبری با عنوان «فرهنگ، زندگی و رمضان» در روز جمعه ۲۰ اردیبهشت از ساعت ۱۷ در فرهنگسرای نیلوار برپا شد.

این نمایشگاه با هدف کمک به کودکان کار و محروم از تحصیل و تأمین ده آزادی یک زندانی افغانستانی به نمایش آثار شاخص این دو عکاس افغانستانی می‌پردازد. محمدموسی اکبری به همراه دخترش فاطمه اکبری، در ۷۵ اثر خود تلاش کرده‌اند به دور از هرگونه سیاه‌نمایی، زیبایی فرهنگ و زندگی جاری مردم افغانستان در ماه مبارک رمضان را به نمایش بگذارند. محمدموسی اکبری متولد اول حمل (فروردین) ۱۳۴۰ در محله «چنداول» کابل است، او در راستای معرفی کشور افغانستان به عنوان کشوری با پیشینه فرهنگی و تاریخی غنی، تاکنون چندین نمایشگاه انفرادی برگزار کرده است که از جمله آن‌ها می‌توان به نمایشگاه «عکس افغانستان» در شهر برلین و نمایشگاه عکس «خورشید در قالب» در فرهنگستان هنر اشاره کرد.



گفت‌وگو با کوروش علیانی

نخستین ویراستار کتاب‌های شهید آوینی درباره هنر انقلاب

هنوز به طراحی سازمان جنگ

در فرهنگ نرسیده‌ایم

فرهنگ و هنر، فاطمی نسب، **اکوروش علیانی** از آن دسته انسان‌هایی است که بشدت خودش است و تکلفی ندارد. ذهن نکته‌سنج و نگاه آکادمیک او به مسائل هنری و ادبی منجر به برخورد متفاوت او با پدیده‌های هنری دنیای پیرامونش شده است. نگاهی که شاید محصول ذهن ریاضی‌خوانده او در دانشگاه



صنعتی شریف به‌علاوه ذوق هنری او باشد.

علیانی همچنین تخصصین ویراستار کتاب‌های شهید آوینی بوده است، او هم اکنون دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی عمومی است. با این کارشناسی ادبی درباره هنر انقلاب و نگاه شهید آوینی به هنر گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

برش

مرتضی همیشه در حال گذشتن بود. همیشه دنبال پدیده‌های جدید می‌گشت و کتاب‌های مختلف می‌خواند. از میان این‌ها آنچه را درست می‌دانست، جذب فکرش می‌کرد. یعنی درونی می‌کرد و به فهم و ادراک خودش می‌رساند.

راه بیندازیم!

به من اگر بگویید مرتضی نگاه واقع‌گرایانه داشت، می‌گویم بله داشت، اما اگر بگویید گرایشش به سمت مکتب واقع‌گرای بود، می‌گویم نه! ولش کنید مرتضی را، بگذارید خودش بماند. مثلاً طبیعت‌گرایی یا ناتورالیسم ویژگی قلم نویسنده نیست، پرسشی است که منتقد به نویسنده می‌زند، یعنی نویسنده موقعی که می‌نویسد، نمی‌گوید که می‌خواهم ناتورالیستی بنویسم، آن منتقد بعدها چون ناتورالیستی نویسنده رنگ بیشتری دارد، می‌گوید این ناتورالیسم است و آن ایده‌الیسم.

◆ **شما منکر این نیستید که همین ناتورالیست‌ها و دادانیست‌ها یک‌سری حلقه‌های ادبی تشکیل می‌دادند و بر اساس معیارها و مانیفست خودشان شعر می‌سرودند و داستان می‌نوشتند؟**

همین مثال‌هایی که زدید خوب است، این‌ها هیچ‌کدامشان ماندگار نشدند. درست به همین دلیل که خیلی تصریح می‌کردند و بیانیه می‌دادند و همیشه دلواپس این بودند که موضعمان را مشخص کنیم؛ برای همین چیز زیادی از آن‌ها نماند.

ولی مثلاً هومر ماندگار می‌شود، چرا؟ چون خودش را گرفتار مکتب نمی‌کند.

بود که دوربین آدم‌ها را اتوکشیده می‌کند. برای همین جایی که می‌خواست مستند بسازد، به فیلم‌برداری گفت این دوربین باید سه روز خاموش روی دوش شما برود و باید تا آنجا که آدم‌ها از دیدن این دوربین حالشان عوض نشود و به آن عادت کنند. آن موقع شما دوربین را روشن کنید. این نکته اساسی است؟

این تصور که می‌شود چیز جدیدی از جنس فرم ایجاد کرد، کمی ساده‌انگارانه است. اینکه ما بگوییم آوینی چیز جدیدی ابداع نکرده بود، پایین آوردن شأن آوینی نیست، واقع‌نگری است. ما در حال حاضر چیزهایی که به اسم ابداع و ابتکار می‌بینیم بیشترشان فقط بسته‌بندی‌های جدید هستند. به عنوان مثال ما برنج و زعفران و گوشت را اختراع نکردیم، اما شما وقتی فلان رستوران معروف می‌روید، غذای برای شما درست می‌کند که از خوردن آن به وجد می‌آیید.

اشتباه غذا را اختراع نکرده است؛ تنها در انتخاب و اندازه‌گیری مواد دقت خوبی داشته است. آن طور که من از مستندسازی می‌فهمم، به نظر من دیگران هم در جاهای مختلف دنیا از این گونه مستندسازی آوینی استفاده کرده بودند. اما کاری که مرتضی می‌کند این است: انتخاب بجا و دقیق.

نکته بعدی که در کارهای آوینی ساده از کنار آن می‌گذرند، مسئله «دوربین خاموش» روی دست است. آوینی به این نتیجه رسیده بود که این دوربین یک واسطه است و این واسطه در بیشتر مستندها مانع انتقال موقعیت اصل می‌شود؛ یعنی به‌جای اینکه واسطه‌گری کند خودش نوعی القای حس می‌کند.

لطفاً با مصداق هم توضیح بدهید.

شما وقتی با کسی مصاحبه می‌کنید همین که شخص ضبط صوت را ببیند، شروع می‌کند به اتوکشیده صحبت کردن. مرتضی متوجه شده

تجسسی

دیوار نگاره جدید

میدان ولیعصر رونمایی شد

باشگاه خبرنگاران: تازه‌ترین دیوارنگاره میدان ولیعصر(عج) با عنوان «دیگری را به خود مقدم دار» سرگاه دیروز اکران شد.
در توضیح این دیوارنگاره که «دیگری را به خود مقدم دار» نام دارد، آمده است: «ماه میهمانی خدا داره از راه می‌رسه و همه‌جا ططر و بوی معنویت می‌گیره. ماه مبارکی که سفره‌های افطار و سحرش هیچ‌وقت از خاطر‌مون نمی‌ره. ما این روزها ممکنه به دلایل

◆ **وجه مشترک این هنرهای مختلف چیست؟ یعنی چه روح مشترکی در آن‌ها دیده می‌شود؟**

به نظرم آن روح مشترک، تعهد به تحول اجتماعی بزرگ در انقلاب است. ما در جنگ از برنو و ام یک استفاده کردیم تا یوزی و کلاشینکف و ژ ۳... اما سازمان جنگ ما را حسن باقری طراحی کرد که نه شرقی بود و نه غربی. فرهنگ انقلاب مثل جنگ نیست که هشت ساله تیلور پیدا بکند، ۱۰۰ سال زمان لازم دارد تا ششکופا شود. ما هنوز به طراحی سازمان جنگ در فرهنگ نرسیده‌ایم.

◆ **برویم سراغ متن روایت‌های شهید آوینی در روایت فتح. نظر شما درباره تأثیر این روایت‌ها بر مخاطب چیست؟**
من می‌خواهم تشریح را برگردانم. ما چون عادت کرده ایم که در فیلم‌سازی به آن متنی که شخصی در فیلم می‌خواند می‌گوییم «نریتیو» یا «روایت» فکر می‌کنیم این «نریتیو» همان روایت است. من در کتاب جدید این مسئله را روشن کرده‌ام که ما به عنوان روایت می‌شناسیم، پدیده‌ای ذهنی مانند یک تصویر است.

تصویر دقیقاً منظوم آن چیزی است که تو می‌توانی فریم به فریم آن را در ذهنت ثبت کنی و اجزای مختلفش را ببینی. روایت، زنجیره تصویرهاست و مرتضی خیلی خوب این را فهمیده بود.

همه به متن‌های روایت فتح می‌گویند عجب متن‌های عالی‌ای، من برعکس می‌گویم؛ مرتضی اول فیلم را می‌ساخت و بعد چون می‌دانست به همین صورت از او قبول نمی‌کنند، متنی هم کنارش می‌نوشت؛ اما تزیینی مرتضی اینجا بود که می‌دانست آن چیزی که کار می‌کند تصویر است.

به نظرم خود مرتضی هم به خوبی این را می‌دانست. متن را می‌نوشت، چون متن نوشتن مد بود در آن زمان. می‌دانست اگر متن نداشته باشد می‌گویند، آقا اینکه گزارش خبری است. حالا بعضی‌ها اهل متن‌اند و می‌گویند چه متن‌های دل‌انگیزی. من راستش می‌گویم آن تصویری که مرتضی گرفته اصل کار است. شما یک بار بدون متن، آن تصاویر را نگاه کنید، اگر زیرو رو نکرده‌تان!

◆ **نظرتان برعکس نظر همه کارشناسان است!**

بله، و متن هم آنجایی موفق و خوب است که هماهنگ با ریتم تصویر جلو می‌آید و خوانده می‌شود.

◆ **نظر کلی‌تان درباره شهید آوینی چیست؟**

مرتضی آوینی برای من یک آورده‌ای دارد که معمولاً همه از تمام خصوصیاتش حرف زده‌اند غیر از این خصیصه. مرتضی همیشه در حال گذشتن بود. همیشه دنبال پدیده‌های جدید می‌گشت و کتاب‌های مختلف می‌خواند. از میان این‌ها آنچه را درست می‌دانست، جذب فکرش می‌کرد.

یعنی درونی می‌کرد و به فهم و ادراک خودش می‌رساند. بعد آنچه را درست احساس می‌کرد، در زندگی‌اش از آن استفاده می‌کرد و به نوعی آن را زندگی می‌کرد. فارغ از تمام خصوصیات مرتضی، این، بهترین خصوصیت مرتضی است که برای من اهمیت دارد. و آن را دوست دارم.



باشگاه خبرنگاران: ۱۴ اثر گرافیکی به عنوان آثار منتخب نخستین کارگاه

بین‌المللی گرافیک «عوده القرن» معرفی شدند. اسامی برگزیدگان به شرح زیر است:

۱. ایمان ماندگاری- ایران
۲. حسین خیرالدین-لبنان
۳. حسین قصیر و مریم حیدر- لبنان
۴. رؤیا سرابی- ایران
۵. محمد تقی پور- ایران
۶. محمد شکبیا-ایران
۷. محمد فرشادیان، مریم و زهرا دباغ- ایران
۸. محمدرضا چیت‌ساز-ایران
۹. محمود آراسته‌نسب- ایران
۱۰. سعید حسن علی- بحرین
۱۱. میکائیل براتی- ایران
۱۲. رسول معصوم زاده-ایران
۱۳. اسماعیل خدابنده- ایران
۱۴. اسماعیل خدابنده- ایران

کارگاه گرافیک «عوده القرن» با مشارکت هنرمندانی از ۱۰ کشور دنیا برگزار و در آن بیش از ۱۰۰ اثر در سه روز تولید شد که در پایان نیز ۱۴ اثر منتخب و ۲۴ اثر شایسته تقدیر شناسایی شد.

گفتنی است ۳۹ اثر خلق شده در این کارگاه به کشورهای مختلف جهان ارسال خواهد شد تا ظرف ۱۰ روز آینده همزمان با «یوم‌التکیه» و دو هفته پس از آن در روز جهانی قدس، در قالب نمایشگاه در این کشورها ارائه شود.

گرافیک

برگزیدگان کارگاه

بین‌المللی گرافیک

«عوده القرن» معرفی شدند



کتاب

خاطرات

خواننده آمریکایی

منتشر شد



اما درست در همین لحظات حضور در برزیل و در سروصدای یکی از گروه‌های موسیقی، جرقه‌ای ذهن محمد را تکان می‌دهد و تا به امروز مسیر زندگی‌اش را عوض می‌کند.

«تولد در لس آنجلس» به‌کوشش بهزاد دانشگر در ۲۰۰ صفحه راهی بازار نشر شده است.